

# آثار اقتصادی مصرف صحیح

رضا وطن دوست

پژوهشگر دانشگاه علوم اسلامی رضوی

## چکیده

تاریخ دریافت: ۸۸/۱۰/۴ \_ تاریخ پذیرش: ۸۸/۱۱/۵

به همان اندازه که مصرف ناصحیح امری ناپسند و مذموم است، مصرف صحیح، امری مقدس و پسندیده است؛ قرآن مصرف درست را همراه مفاهیمی مانند: پارسایی، نیک رفتاری، سپاسگزاری، حق محوری و پرهیز از افراط و تفریط یاد می‌کند. این پژوهش می‌کوشد تا پس از اشاره به مباحثی مقدماتی، به بیان مهم‌ترین آثار اقتصادی مصرف صحیح بپردازد.

**کلیدواژه‌ها:** قرآن، اسراف، تبذیر، مصرف، الگوی مصرف، آثار و پیامدها.

## مقدمه

از مجموع آموزه‌های اسلامی در خصوص الگوی مصرف به دست می‌آید که الگوی مصرف در اسلام بر اصولی چند است که موارد زیر از جمله این اصول‌اند:

۱. انتفاع از مواهب الهی و تأمین نیازهای

شخصی؛

۲. پس انداز و سرمایه گذاری در تولید

و تجارت؛

۳. انفاق و مشارکت اجتماعی؛

۴. حفظ حقوق دیگران و رعایت

مقررات محیط زیست؛

۵. مصرف در حد کفایت و حسابرسی

در امر معیشت.<sup>۱</sup>

این اصول را در بخشی از نامه امام

۱. بنگرید به: جواد ایروانی، الگوی مصرف در

آموزه‌های اسلامی، ص ۱۹-۴۷.

علی علیه السلام به فرماندارش در بصره می‌توان جست‌وجو کرد که فرمود: «فَدَعِ الإسْرَافَ مُقْتَصِداً وَاذْكَرْ فِي الْيَوْمِ غَدًا وَاْمْسِكْ مِنْ الْمَالِ بِقَدْرِ ضَرُورَتِكَ وَاَقْدَمِ الْفَضْلَ لِيَوْمِ حَاجَتِكَ»؛<sup>۱</sup> ای زیاد! از اسراف پرهیز و اعتدال و میانه‌روی را در پیش گیر، از امروز در اندیشه فردایت باش و از مال دنیا به اندازه ضرورت خویش جمع کن و زیادی را برای روز نیازمندی‌ات در آخرت بفرست.

بر اساس اصل اول، شریعت اسلام بر خلاف برداشت نادرست برخی که گمان می‌کنند بندگی خدا با تنعم و بهره‌برداری از نعمت‌های الهی منافات دارد، انتفاع و برخوردارگی از مواهب الهی را امری بایسته می‌داند. اسلام نه تنها از انتفاع مواهب الهی در حد مجاز منع نکرده است که حتی کناره‌گیری از لذات مادی و داشتن تنگ نظریه‌های صوفی‌گرانه را در بهره‌مندی از مواهب الهی امری مردود و از نشانه‌های رهبانیت می‌شمارد. این که قرآن کریم، پیش از بازداشتن از اسراف، به خوردن و آشامیدن دستور داده، دلیل بر این مطلب

است که فرمود: «كُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا».<sup>۲</sup> از آن رو که ذخیره‌سازی و پس‌انداز در سطح زندگی فردی و اجتماعی اهمیت خاصی دارد، شریعت اسلام بر اساس اصل دوم، این رویه را برای پیروان خود که تمام درآمدشان را نقد و در یک جا مصرف کنند نمی‌پسندد، بلکه توصیه و تأکید دارد که هر چند اندک، از محل درآمدشان، برای تأمین آینده‌شان، در جهت سرمایه‌گذاری تولیدی و تجاری ذخیره کنند. در ضرورت آینده‌نگری و پس‌انداز، از امام علی علیه السلام بیاموزیم که در بخشی از نامه یاد شده فرمود: «وَاذْكَرْ فِي الْيَوْمِ غَدًا»؛ از همین امروز در اندیشه فردایت باش.<sup>۳</sup>

از آن جهت که شریعت اسلام، جامعه دینی را کانونی واحد دانسته و هر یک از مسلمانان در جامعه اسلامی را عضوی از این کانون به شمار آورده است، اسلام بر اساس اصل سوم، به تمامی کسانی که از توان مالی برخوردارند دستور داده تا برای مشارکت در سرنوشت دیگران و تأمین نیازهای محرومان، اندکی از درآمد خود را به نیازمندان ببخشند. این آیه ناظر بر این مطلب است که فرمود:

۱. نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، نامه ۲۱.

۲. اعراف (۷)/۳۱.

۳. نهج البلاغه، نامه ۲۱.

﴿وَأَتَوْهُمْ مِّن مَّالِ اللَّهِ الَّذِي آتَاكُمْ﴾؛ چیزی از مال خدا را که او به شما عنایت کرده است به نیازمندان ببخشید.

هر خردمندی اگر از روی انصاف بنگرد خواهد دانست که نعمت‌های الهی مانند آب‌ها، معادن، مراتع، زمین، جانوران، همه و همه، به تمام انسان‌ها و حتی به نسل‌های آینده تعلق دارند. بنابراین، به استناد اصل چهارم از اصول یاد شده، هیچ فردی در هیچ نقطه‌ای از زمین با هیچ بهانه‌ای حق ندارد با استفاده بی‌رویه و نابجا، در منابع ملی به گونه‌ای تصرف کند که حقی از کسی ضایع گردد یا به محیط زیست آسیبی زیانبار وارد آید.

در اهمیت و ضرورت حفظ محیط زیست، همین بس که در نگاه دین، گاه محافظت از محیط زیست امری واجب معرفی شده است، چنان که پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: «احفظوا من الأرض فإنها أمكم»؛ از زمین محافظت نمایید، چرا که زمین اصل و مادر شماست،<sup>۲</sup> و گاه تخریب منابع و آلوده کردن محیط زیست، از مصادیق فساد در زمین شمرده شده است. این آیه حاکی از

این نگاه است که فرمود: «وَإِذَا تَوَلَّى سَعَى فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ»؛ آن گاه که زمام امور را دست گیرد، در زمین فساد کرده، منابع طبیعی مانند زراعت‌ها و چارپایان را تباه می‌سازد.

به دلیل وجود مشکلات فراوان و پیامدهای زیانباری که از اسراف و تبذیر سرچشمه می‌گیرند، مکتب اسلام بر اساس اصل پنجم، پیروان خویش را از هر نوع ولخرجی و تجمل‌گرایی افراطی بر حذر داشته و همگان را به اصل اعتدال و میانه‌روی در استفاده از مواهب الهی دعوت نموده است. سخن امام علی عَلَيْهِ السَّلَام دلیل بر این مطلب است که در این باره، هم به زیان‌های ناشی از افراط در مصرف اشاره کرده می‌فرماید: اسراف آفتی زیانبار است که سرمایه بسیار را به باد می‌دهد: «الاسراف يُفنى الكثير»،<sup>۴</sup> و هم به فواید رعایت مصرف صحیح پرداخته می‌فرماید: میانه‌روی، به افزایش مال کم می‌انجامد: «الاقتصاد ينمي القليل».<sup>۵</sup>

۳. بقره (۲)/۲۰۵.

۴. عبدالواحد بن محمد تمیمی آمدی، *غرر الحکم و*

*درر الکلم*، ج ۱، ص ۱۳۹.

۵. همان، ج ۱، ص ۳۵۳.

۱. نور (۲۴)/۳۳.

۲. جلال الدین سیوطی، *الدرر المشور*، ج ۶، ص ۳۸۰.

## ارزش معنوی مصرف صحیح

کنترل مصرف و اصل میانه‌روی در جامعه اسلامی، پیش از آن‌که دستوری و حیانی باشد، امری عقلانی است و بیش از آن‌که مطلوبی دینی باشد، ضرورتی عینی است؛ چرا که در نظام اقتصادی اسلام، حیات عزتمندانه امت اسلامی بر آن استوار است.

به دلیل اهمیتی که این اصل دارد، شریعت اسلام در تمام عرصه‌های زندگی، به رعایت این اصل پای فشرده است، تا آن‌جا که اسلام این اصل را از ویژگی‌های امت اسلامی دانسته می‌فرماید: ﴿وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ!؛ و ما این چنین شما را امت وسط قرار دادیم تا گواهانی بر اعمال دیگر مردمان باشید.

از موارد اجرای این اصل، عرصه مصرف است که رعایت آن بایسته‌تر از هر عرصه دیگر است. در بزرگی و اهمیت این اصل همین بس که میانه‌روی در مصرف و حسابگری در معیشت، بخشی از دین و دینداری معرفی شده است.<sup>۲</sup>

ضرورت رعایت این اصل، تنها به مصارف روزانه اختصاص ندارد، بلکه حتی

در انفاق و صرف مال در راه خدا نیز باید رعایت شود. قرآن در این باره می‌فرماید: ﴿وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا<sup>۳</sup>؛ کسانی که هرگاه انفاق کنند، نه اسراف می‌کنند و نه سختگیری، بلکه در میان این دو حد اعتدال دارند.

امام حسن عسکری علیه السلام می‌فرماید: «إِنَّ لِّلسَّخَاءِ مَقْدَارًا فَإِنَّ زَادَ عَلَيْهِ فَهُوَ سَرْفٌ... و للاقتصاد مقداراً فإن زاد عليه فهو بخل»<sup>۴</sup>؛ برای سخاوت اندازه‌ای است که فراتر از آن، اسراف می‌باشد... و برای میانه‌روی حدی است که پایین‌تر از آن، خساست به شمار می‌آید.

## قلمرو آثار الگوی مصرف

از آن‌رو که موضوع مصرف صحیح و رعایت الگوی اسلامی در مصرف، موضوعی فراگیر و گسترده است و به موردی ویژه اختصاص ندارد، آثار و فواید آن نیز تنها به حوزه اقتصاد محدود نمی‌شود، بلکه آثار آن در تمام عرصه‌های فرهنگی، سیاسی، بهداشتی و معنوی به چشم می‌خورد. اما به این دلیل که این مقال گنجایش تبیین این آثار را در حوزه‌های یاد

۱. بقره (۲)/۱۴۳.

۲. ابوجعفر محمد بن حسن طوسی، الامالی، ص ۶۷۰.

۳. فرقان (۲۵)/۶۷ و نیز بنگرید: اسراء (۱۷)/۲۹.

۴. محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۶۶، ص ۴۰۷.

شده ندارد، به بیان آثار این موضوع در عرصه اقتصادی بسنده می‌شود؛ زیرا بیش‌ترین مصرف نادرست در حوزه اقتصاد وجود دارد، چنان‌که بیش‌ترین آثار و فواید مصرف صحیح نیز در همین حوزه واقع شده است.

### ۱. پیشگیری از هدر رفتن سرمایه‌ها

از بارزترین مصادیق مصرف، اسراف و تبذیر است. اسراف به هرز امکانات مادی و هدر رفتن زحمات دیگر انسان‌های ذی ربط و زحمتکش می‌انجامد؛ زیرا طبیعی است که باید چندین نفر زحمت بکشند تا خوراکی فراهم آید و پوشاکی قابل استفاده گردد.

هر چند ممکن است به صورت موردی و در نگاهی جزئی‌نگر، این هدر دادن‌ها اندک و ناچیز جلوه کند، اما در نگاهی کلان و در سطح جامعه و جهان، خسارتی بزرگ و سهمگین به شمار می‌آید. این در حالی است که در شریعت اسلام، بیت‌المال مسلمانان هیچ خسارتی را بر نمی‌تابد، این بخش از سخنان امام علی علیه السلام شاهد این مطلب است که فرمود: «إِيَّاكُمْ وَالْإِكْثَارَ، فَإِنَّ أَمْوَالَ الْمُسْلِمِينَ لَا تَحْتَمِلُ الْإِضْرَارَ»؛<sup>۱</sup> زنهار

۱. شیخ صدوق، الخصال، ص ۳۱۰.

از زیاده‌روی، چرا که اموال مسلمانان هیچ ضرری را بر نمی‌تابد.

امام کاظم علیه السلام در تصریح به این مطلب که میانه‌روی و الگوی مصرف از هدر دادن سرمایه‌ها جلوگیری می‌کند فرمود: «مَنْ اِقْتَصَدَ وَقَنَعَ بَقِيَّتِ عَلَيْهِ النُّعْمَةُ وَمَنْ بَدَّرَ وَأَسْرَفَ زَالَتْ عَنْهُ النُّعْمَةُ»؛<sup>۲</sup> کسی که در مصرف راهی میانه در پیش گیرد و قناعت ورزد، نعمتش باقی می‌ماند و آن‌که ریخت و پاش و ولخرجی کند، نعمتش زوال می‌پذیرد.

### ۲. برخورداری از برکت الهی

ولخرجی و رعایت نکردن الگوی مصرف، عملی مخالف تقوا و سفارش‌های خدا و اولیای الهی است و باعث می‌شود برکت از زندگی انسان رخت بر بندد. امام صادق علیه السلام فرمودند: «إِنَّ مَعَ الْأَسْرَافِ قِلَّةَ الْبَرَكَاتِ»؛<sup>۳</sup> اسراف همراه با کاهش برکت است.

اما اگر به جای ریخت و پاش‌های بی‌مورد، الگوی صحیح مصرف در پیش

۲. حسین بن شعبه حرّانی، تحف العقول عن آل الرسول، ص ۴۰۳.

۳. ابو جعفر محمد بن یعقوب کلینی، الاصول من الکافی، ج ۴، ص ۵۵، حدیث ۳.

گرفته شود، نه تنها از هدر رفتن ثروت جلوگیری می‌شود که از برکتی مضاعف برخوردار خواهد شد. این واقعیت را از زبان پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بشنویم که فرمود: «مَنْ اِقْتَصَدَ فِي مَعِيشَتِهِ رَزَقَهُ اللهُ وَ مَنْ بَدَّرَ حَرَمَهُ اللهُ»؛ هرکس در گذران زندگی میانه‌روی پیشه کند خداوند روزی‌اش دهد و هر که ریخت و پاش کند خداوند وی را محروم گرداند.

### ۳. بی‌نیازی و مصونیت از فقر و ورشکستگی

از آثار و فواید رعایت الگوی مصرف، بی‌نیازی و مصونیت از فقر و ورشکستگی است. امام علی عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: «مَنْ صَحِبَ الْاِقْتِصَادَ دَامَتْ صِحْبَةُ الْغِنَى لَهُ»؛ آن که با میانه‌روی دمساز شود، بی‌نیازی همدم او خواهد شد.

آن‌سان که رعایت الگوی مصرف بی‌نیازی را به ارمغان می‌آورد مصرف نادرست نیز فقر و تهیدستی را اجتناب‌ناپذیر می‌کند، چرا که مصرف نادرست نوعی چپاول است و چپاول در اندک زمانی ثرمایه را هرچند زیاد باشد، به هدر می‌دهد،

چنان که امام علی عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: «الْاِسْرَافُ يُفْنِي الْكَثِيرَ».

این هشدار را از رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بشنویم که می‌فرماید: «مَنْ بَدَّرَ اَفْقَرَهُ اللهُ»؛ هرکس ولخرجی کند خداوند وی را فقیر خواهد ساخت.

امام علی عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ در هشدار به ولخرجی‌ها که زیان‌های جبران‌ناپذیری را به ارمغان می‌آورد، نخست مانند پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، به زیانی مانند فقر و ناداری اشاره کرده می‌فرماید: «سَبَبُ الْاَفْقَرِ الْاِسْرَافُ»؛ اسراف سبب فقر است. سپس به پیامدی دیگر به نام ورشکستگی اشاره کرده می‌فرماید: اگر افراد از حد اعتدال تجاوز کرده به ریخت و پاش خود ادامه دهند، طولی نخواهد کشید که استخوان‌های آنان زیر ضربات سهمگین ورشکستگی خرد شده به خاک مذلت خواهند افتاد: «مَنْ اَفْتَخَرَ بِالتَّبَذِيرِ اَحْتَقَرَ بِالْاِفْلَاسِ»؛ هر کس به ریخت و پاش افتخار کند، با ورشکستگی تحقیر خواهد شد.

امام صادق عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ در سخنی جامع، هم به آثار میانه‌روی در مصرف و هم به پیامدهای

۱. الاصول من الكافي، ج ۲، ص ۱۲۲.

۲. حسین نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۳، ص ۵۴.

۳. بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۲۱.

۴. مستدرک الوسائل، ج ۱۵، ص ۲۶۶.

اسرافکاری اشاره کرده می‌فرماید: «إِنَّ السَّرْفَ يُورِثُ الْفَقْرَ وَإِنَّ الْقَصْدَ يُورِثُ الْغِنَى»؛ اسراف فقر را در پی دارد و میانه‌روی بی‌نیازی را به ارمغان می‌آورد.

#### ۴. مصونیت از افزایش شکاف‌های طبقاتی

تجربه نشان داده است که تمرکز ثروت نزد ثروتمندان، شکاف طبقاتی میان آنان و طبقه محروم جامعه را افزایش داده به فاصله بیش‌تر میان آنان خواهد انجامید؛ زیرا طبیعی است افرادی که از درآمد بیش‌تر برخوردارند، با پشتوانه مالی خود، می‌توانند یک زندگی اشرافی برای خود فراهم آورند و از این رهگذر بخش زیادی از امکانات جامعه را به خود اختصاص دهند، این در حالی است که طبقه محروم جامعه، به دلیل کمبود امکانات مالی و عدم توان خرید، از حد اقل امکانات برخوردارند.

این جاست که اگر این شکاف‌ها ترمیم نشود، زمانی سپری نخواهد شد که بدبینی‌ها و بی‌اعتمادی‌ها در میان طبقه محروم نسبت به طبقه مرفه شکل گرفته، دل‌های آنان نسبت به افراد مرفه، از کینه

انباشته خواهد شد و رفته رفته به لحظه انفجار نزدیک می‌شود، به طوری که اگر مهار نشود و از خطر انفجار جلوگیری نشود، تنش‌ها، خشونت‌ها و حتی درگیری‌های فیزیکی را اجتناب‌ناپذیر می‌کند. این جاست که به عمق این بخش از سخنان امام علی علیه السلام پی می‌بریم که آسایش و سلامت را وامدار میانه‌روی دانسته، می‌فرماید: «مَنْ أَرَادَ السَّلَامَةَ فَعَلِيهِ بِالْقَصْدِ»؛ هرکس آسایش و سلامت خواهد باید که میانه‌روی را در پیش گیرد.

ناگفته روشن است، منظور این سخن، تنها آسایش و سلامت جسمانی نیست، بلکه امنیت و سلامت اجتماعی را نیز دربر می‌گیرد. اگر در آیاتی مانند «وَأَنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ»<sup>۳</sup> دقت به عمل آید، روشن خواهد شد که این آیه و دیگر آیات مشابه نیز تأییدی بر این مطلب است؛ زیرا این آیه مفهومی عام دارد که هم بخل و پرهیز از انفاق در هنگام جنگ را شامل است که تضعیف نیرو و سرانجام پذیرش شکست در برابر دشمن را در پی دارد و هم بخل و عدم کمک به نیازمندان جامعه

۲. غرر الحکم و درر الکلم، ج ۵، ص ۲۶۶.

۳. بقره (۲)/۱۹۵.

۱. الاصول من الکافی، ج ۴، ص ۵۳.

خودی را دربر می‌گیرد که به تحریک طبقه محروم علیه ثروتمندان می‌انجامد؛ چرا که اگر مسئله انفاق فراموش گردد و ثروت‌ها تنها در یک قطب گرد آید، اکثریتی محروم و بینوا پدید می‌آید و دیری نخواهد گذشت که انفجاری عظیم در جامعه رخ داده، شعله‌های آن، دامن سرمایه‌داران را می‌گیرد، و اموالشان را طعمه خود می‌سازد.<sup>۱</sup>

پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در اشاره به این مطلب رعایت نکردن توصیه‌های اسلام در خصوص مصرف، به دشمنی می‌انجامد، در حدیثی که بیان‌کننده جنود عقل و جنود شیطان است، اسراف و تبذیر را از جنود شیطان و موجب عداوت و دشمنی دانسته، می‌فرماید: «...الْقَصْدُ وَضِدَّ الْعَدْوَانِ».<sup>۲</sup>

## ۵. ادای حقوق دیگران

هرچند یک فرد در جامعه، عضوی کوچک است، اما باید دریابد که او عضوی از جامعه‌ای بزرگ است، و نیز باید بداند آنچه در جامعه وجود دارد، تنها از آن او نیست تا به دلخواه مصرف کند، بلکه متعلق به آحاد جامعه و نسل‌های آینده است و هر

۱. بنگرید به: ناصر مکارم شیرازی و دیگران، تفسیر

نمونه، ج ۲، ص ۲۱.

۲. بحار الانوار، ج ۱، ص ۱۱۱.

کس در حد مشروع و به اندازه نیازهای متعارف خود حق بهره‌برداری از آن‌ها را دارد. بنابراین، هرگونه زیاده‌روی در مصرف، محرومیت دیگران و نسل‌های آینده را در پی خواهد داشت. امام علی عَلَيْهِ السَّلَام در این باره که نباید با زیاده‌روی در مصرف، به حقوق دیگران تجاوز کرد، در نامه‌ای به زیاد بن ابیه فرمود: «تو طمع داری که ثواب صدقه دهندگان را ببری، در حالی که خود در نعمت‌ها غوطه‌وری و ضعیفان و بیوه‌زنان را از حقشان محروم می‌داری!»<sup>۳</sup>

این تعبیر امام که «ضعیفان را از حقشان محروم می‌داری» حاکی از آن است که دیگران نیز در آنچه ثروتمندان دارند شریک‌اند و الا تعبیر محرومیت، بی‌معنی بود.

بر این اساس، اگر نیک بنگریم خواهیم دانست که اسراف نوعی تجاوز به حقوق دیگران است. این بخش از سخنان امام علی عَلَيْهِ السَّلَام ناظر به همین حقیقت است که فرمود:

«للمسرف ثلاث علامات: يأكل ما ليس له و يشتري ما ليس له و يلبس ما ليس له»؛

۳. نهج البلاغه، نامه ۲۱.



اسرافکار سه نشانه دارد، آنچه که از آن او نیست می خورد و آنچه که مال او نیست می خرد و آنچه که مال او نیست می پوشد.<sup>۱</sup>

### ۶. پس انداز و سرمایه گذاری

داشتن ثروت - چه آن که حقیقی باشد یا اعتباری - از پایه‌هایی است که حیات آدمی بر آن استوار است. قرآن کریم در این باره که اموال و ثروت آدمی به زندگی او قوام می‌بخشد در هنگام بیان حکم محجوریت سفیهان می‌فرماید: «و لا تُؤثُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَامًا»<sup>۲</sup>؛ اموال خویش را که خداوند آن را مایه برپایی شما قرار داده است در اختیار سفیهان نگذارید.

بنابراین، نباید در حفظ مال که مایه حیات فردی و حفظ نظام در زندگی اجتماعی است کوتاهی شود، بلکه می‌باید در حفظ آن همت کرد و از ریخت و پاش‌های بی‌رویه پرهیز نمود.

از راه‌هایی که آدمی را در انجام این رسالت کمک می‌کند پس انداز است که تنها

۱. شیخ صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۱۶۷؛ نیز بنگرید به: محمدرضا حکیمی و دیگران، الحیة، ج ۴، ص ۲۳۷.  
۲. نساء (۴)/ ۵.

با مصرف معقول، حسابرسی و رعایت الگوی مصرف در اسلام امکان پذیر است. ضرورت پس انداز از آن روست که چرخ زندگی در مسیر پرفراز و نشیب خود، همواره در خطر مواجهه با حوادث تلخ و شیرین و اتفاقات غیر قابل پیش بینی مانند زلزله، سیل، توفان و جنگ قرار دارد. بدیهی است که در صورت عدم اطمینان به تأمین زندگی در آینده، دغدغه تأمین معاش، آدمی را از پای درمی‌آورد و او را از آرامش لازم محروم می‌سازد. پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در این باره که تأمین آینده به آسایش انسان می‌انجامد فرمود: «إِنَّ النَّفْسَ إِذَا أَحْرَزَتْ قَوَّتَهَا اسْتَقَرَّت»<sup>۳</sup>؛ هرگاه وسایل زندگی به قدر نیاز برای انسان فراهم شود روانش آسایش می‌یابد.

شایان توضیح است، معنای پس انداز که در روایات بر آن تأکید شده است، تنها این نیست که پول به صورت نقدی در جایی راکد بماند، بلکه با تأکید بر مدیریت درست در جهت ساماندهی درآمدها، به سرمایه‌گذاری در قالب زمین و باغ تشویق کرده‌اند، تا آن جا که ساماندهی درست ثروت، بخشی از ایمان به شمار آمده است.

۳. من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۱۶۶.

امام صادق علیه السلام فرمود: «اصلاح المال من الإيمان»؛ ساماندهی مال از ایمان است.

## ۷. رفاه عمومی

با مراجعه به آموزه‌های اسلامی درمی‌یابیم که نظام اقتصادی اسلام، تنها در اندیشه تأمین نیازهای ضروری بشر نیست، بلکه در صدد تأمین رفاه برای همگان در جامعه اسلامی است، اما باید یاد آور شد، این نگرش بلند اسلام، تنها بر اساس این تر امکان پذیر است که ثروت، متعلق به جامعه باشد.

تعلق ثروت به جامعه از طریق مالکیت عمومی امری روشن است؛ زیرا این امر بدیهی است که موارد مالکیت عمومی مانند فیء، انفال، معادن و ثروت‌های طبیعی متعلق به همه است.

اما بر اساس مالکیت خصوصی باید گفت: هر چند در اسلام مالکیت خصوصی معتبر است، ولی این نوع مالکیت مطلق نیست، به گونه‌ای که صاحبان آن بتوانند به دلخواه آن را حیف و میل کنند، و دیگران هیچ حقی در اموال آنان نداشته باشند، بلکه

۱. ابو جعفر محمد بن یعقوب کلینی، *الفروع من الکافی*، ج ۵، ص ۸۷.

از آموزه‌های اسلامی به دست می‌آید که اموال خصوصی نیز متعلق به جامعه است و واگذاری آن به افراد، به این دلیل است که آن اموال تعطیل نماند و از آن استفاده بهتری به عمل آید. بنابراین در مالکیت خصوصی نیز می‌باید به عنوان یک وظیفه اجتماعی عمل کرد، نه به عنوان یک حق مطلق و تسلط بی حد و مرز؛ چرا که قرآن اموال موجود در دست مردم را مال خدا می‌داند و بدیهی است هر آنچه که مال خداست، به همه تعلق دارد: «وَأَتَوْهُمْ مِّن مَّالِ اللَّهِ الَّذِي آتَاكُمْ»؛<sup>۲</sup> چیزی از مال خدا را که او

به شما عنایت کرده است به آنان ببخشید. بدین سان روشن است به استناد این آیه، ثروتمندان، وکلا و امنای خدا بر اموال او می‌باشند و آنچه دارند نزد آنان امانت است که می‌باید امانت داری کرده، به اقتضای آن عمل نمایند.

اگر نیک در منابع اسلامی بنگریم خواهیم دانست که مالکیت خصوصی نیز به نحوی ریشه در مالکیت عمومی دارد؛ زیرا اگر برگندم و جو و گونه‌هایی از حیوانات اهلی مانند گاو، شتر و گوسفند، چیزی به نام زکات واجب است، به این

۲. نور(۲۴)/۳۳.

دلیل است که غلات از آب باران آبیاری می‌گردند و حیوانات یاد شده از مرتع ارتزاق می‌کنند؛ ناگفته روشن است که آب و مرتع متعلق به همه است، به همین دلیل است که شریعت اسلام برای جلوگیری از تضییع حق کسانی که نه زمین دارند تا از آب باران مشروب سازند و نه گاو و گوسفندی دارند تا در مراتع بچرانند، چیزی به نام زکات واجب نموده است و مصرف کنندگان آن را که مجاز در استفاده از آن می‌باشند، نیازمندان جامعه معرفی نموده است و این، نوعی شراکت افراد محروم در غلات و حیوانات یاد شده است. این بخش از سخنان پیامبر اکرم ﷺ گویای این مطلب است که فرمود: «الناسُ شركاءُ فی ثلاثِ الماء و النار و الکلاء»؛ همه مردم در سه چیز شریک‌اند: آب، آتش و مرتع.

آنچه در منابع و مباحث فقهی آمده است، تأییدی بر این مطلب است؛ فقها می‌گویند: در صورتی زکات بر گاو و گوسفند واجب است که «سائمه» یعنی بیابان‌چر باشند، و اگر «معلوفه» یعنی آخوربند باشند زکات واجب نخواهد شد، و نیز گفته‌اند: اگر زمین‌های کشاورزی دیم

بوده، از آب باران سیراب گردند، زکات آن، عشر یعنی یک دهم است، ولی اگر از آب چاه مشروب گردند، زکاتش یک بیستم است.

به استناد این گونه آموزه‌های اسلامی است که باید گفت: مدّ نظر داشتن دیگر انسان‌ها در هنگام مصرف، از ارکان مسلمانی بوده، توزیع هدفمند ثروت و امکانات موجود بایسته‌ای دیرین است، و این هدف، جز با رعایت الگوی مصرف و پرهیز از ولخرجی‌ها امکان‌پذیر نخواهد بود. امام صادق علیه السلام در اشاره به این مطلب که فایده مصرف صحیح رسیدن به محرومان و نیازمندان جامعه است فرمود:

«المالُ مالُ الله یضعه عند الرجل و دائع و جوز لهم أن یأكلوا قسداً و یشربوا قسداً و یلبسوا قسداً و ینکحوا قسداً و یرکبوا قسداً و یعودوا بما سوی ذلک علی فقراء المؤمنین و یلمّوا به شعّهم فمن فعل ذلک کان ما یأکل حلالاً و یشرب حلالاً و یرکب حلالاً و ینکح حلالاً و من عدا ذلک کان علیه حراماً»؛ مال مال خداست که نزد انسان‌ها به ودیعت نهاده شده است، آنان مجازند که با رعایت حد میانه بخورند،

۱. مستدرک الوسائل، ج ۱۷، ص ۱۱۴.

۲. مستدرک الوسائل، ج ۱۵، ص ۲۷۰.

بپوشند، ازدواج کنند، به مرکب سوار شوند و مازاد بر مصرف خود را به نیازمندان مؤمن عودت دهند و به این وسیله آشفته‌گی آنان را ترمیم نمایند. کسی که به این وظیفه رفتار کند آنچه را که می‌خورد، می‌نوشد، سوار می‌شود و ازدواج می‌کند حلال است و هر کس از این دستور سر باز زند آن بر او حرام است.

آیه زیر که بر زشتی و حرمت بی‌مصرف گذاشتن اموال صراحت دارد تأکیدی بر این مطلب است؛ زیرا این آیه که کنز کنندگان را به عذابی دردناک تهدید کرده است، کنز را به عدم انفاق در راه خدا تفسیر نموده می‌فرماید: ﴿وَالَّذِينَ يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يُفْقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ﴾<sup>۱</sup> کسانی که طلا و نقره را ذخیره و پنهان کرده، آن را در راه خدا انفاق نمی‌کنند، به مجازاتی دردناک بشارت دهید.

#### ۸. تعدیل ثروت

استفاده از نعمت‌های الهی با رعایت شرایط و ضوابطی که اسلام مقرر کرده است، امری مشروع و پسندیده است. خداوند بزرگ نه تنها بندگان خود را از آن

۱. توبه (۹)/۳۴.

منع نکرده که به آن نیز تشویق نموده است<sup>۲</sup> حتی برخی افراد را به دلیل داشتن تنگ نظری‌های صوفیانه در بهره‌مندی از مواهب الهی توبیخ کرده، می‌فرماید: ﴿وَمَا لَكُمْ أَلَّا تَأْكُلُوا مِمَّا ذُكِرَ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ؟﴾<sup>۳</sup> چرا از چیزهایی که نام خدا بر آن برده شده است نمی‌خورید؟!

﴿قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَالطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ﴾<sup>۴</sup>؛ بگو چه کسی زینت خدا را که برای بندگانش فراهم آورده است و روزی‌های پاک را بر خود حرام نموده است؟!

پیشوایان ما نیز که متأثر از فرهنگ قرآنی‌اند در این باره، هم به استفاده از نعمت‌های الهی تأکید نموده‌اند و هم مخالفت خود را با تنگ‌نظری‌های افراطی در مصرف مواهب الهی اعلام داشته‌اند. امام صادق علیه السلام در این باره فرمود:

«إِنَّ اللَّهَ يَحِبُّ الْجَمَالَ وَالتَّجَمُّلَ وَ يَبْغِضُ الْبُؤْسَ وَالتَّبَاؤُسَ، فَإِنَّ اللَّهَ إِذَا أَنْعَمَ عَلَى عَبْدِهِ نِعْمَةً أَحَبَّ أَنْ يَرَى عَلَيْهِ أَثَرَهَا»<sup>۵</sup>؛ خدا

۲. بنگرید به: بقره (۲)/۱۶۸ و ۱۷۵؛ انعام (۶)/۱۴۲؛

نحل (۱۶)/۱۱۴.

۳. انعام (۶)/۱۱۹.

۴. اعراف (۷)/۳۲ و نیز بنگرید به: انعام (۶)/۱۵۰.

۵. حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۷.

زیبایی و خودآرایی را دوست داشته، فقر و فقرنمایی را مبعوض دارد، آن گاه که خداوند بر بنده اش نعمتی عنایت کند، دوست دارد اثر آن نعمت را بر او ببیند.

با آن که مکتب اسلام استفاده حلال از نعمت های الهی را مشروع و مجاز شمرده، اما گاه به دلیل وجود مصالحی که در جامعه وجود دارد، محدودیت هایی را در مصرف ایجاد نموده است. آن دست از آیات قرآن که تمرکز ثروت را نامطلوب به شمار آورده اند، گواهی بر این مطلب هستند. قرآن کریم در خصوص مصرف فیء و چگونگی تقسیم آن در جامعه می فرماید:

﴿ مَا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ مِنْ أَهْلِ الْقُرَى فَلِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسْكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ كَمَا لَا يَكُونُ دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ ﴾؛ آنچه خداوند از اهل این آبادی ها به رسولش بازگردانده، از آن خدا، رسول خدا و خویشاوندان او، یتیمان، مستمندان و در راه ماندگان است تا این اموال در میان ثروتمندان شما دست به دست نگردد.

نکته ای که در این آیه بایسته دقت و توجه بوده و دلیلی روشن بر مطلب مورد

نظر است، عبارت ﴿ كَمَا لَا يَكُونُ دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ ﴾ می باشد. این بخش از آیه بر این نکته که نباید ثروت تنها در دست اغنیا بچرخد صراحت دارد؛ از این رو در ادامه آیه، مصرف کنندگان فیء که مجاز به تصرف در آن می باشند تعیین گردیده اند که عبارت اند از ذی القربای رسول خدا، یتیمان، مسکینان و در راه ماندگان.

در این جا یادآوری این نکته بایسته است که اگر در منابع و ابزار تعدیل ثروت در اسلام، دقت به عمل آید روشن خواهد شد که توجه به این ابزار، به معنای ایجاد محدودیت در درآمدها و هم سطح کردن آن در میان قشرهای جامعه نیست، بلکه هدف از آن، توزیع عادلانه ثروت، بر خورنداری همگان از ثروت ملی و بهبود بخشیدن سطح زندگی طبقه کم درآمد در جامعه است و این غیر از اقتصاد در نظام سوسیالیستی است؛ چرا که این نظام با طرح و اجرای محدودیت های خاص خود، آزادی لازم را از مردم و فعالان اقتصادی سلب کرده، فعالیت های اقتصادی آنان را محدود می کند، و این، به محدودیت ثروت و درآمدها می انجامد.

۱. حشر (۵۹)/۷.

## ۹. خودکفایی و استقلال اقتصادی

خودکفایی و استقلال اقتصادی دو اثر برجسته از آثار الگوی مصرف‌اند که جامعه را از نعمت وجود خود بهره‌مند می‌سازند. امام علی علیه السلام فرمود: هر جامعه‌ای که مصرف خود را بر اساس امکانات خود تنظیم نماید، نه تنها خودکفا شده، از وابستگی نجات خواهد یافت که از رشد اقتصادی نیز بهره‌مند خواهد گشت.<sup>۱</sup>

در داشتن جامعه‌ای مستقل و غیر وابسته به دیگران، از قرآن کریم بیاموزیم که می‌فرماید:

﴿ذَلِكَ مَثَلُهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَمَثَلُهُمْ فِي الْإِنْجِيلِ كَزَرْعٍ أَخْرَجَ شَطْأَهُ فَآزَرَهُ فَاسْتَغْلَظَ فَاسْتَوَىٰ عَلَىٰ سُوقِهِ يُعْجِبُ الزُّرَّاعَ لِيَغِيظَ بِهِمُ الْكُفَّارَ﴾<sup>۲</sup>؛ این توصیف آنان در تورات و توصیف آنان در انجیل است، همانند زراعتی که جوانه‌های خود را خارج ساخته و سپس به تقویت آن پرداخته‌اند تا محکم شده بر پای خود بایستند، به قدری رشد می‌کند که زارعان را به شگفتی وامی‌دارد؛ این برای آن است که کافران را به خشم آورد.

مفاد این آیه، ضرورت اقتدار مسلمانان

۱. بنگرید به: الحیاء، ج ۴، ص ۲۶۲.

۲. فتح (۴۸)/۲۹.

و عظمت و شکوه جامعه اسلامی است، به گونه‌ای که دشمنان تاب تحمل آن را نداشته باشند و این می‌طلبد که جامعه اسلامی از هر جهت و از جمله در بخش اقتصادی در حد بالا باشد؛ زیرا در صورت عدم خودکفایی و وابستگی اقتصادی، نه تنها خشم قدرت‌های بزرگ را بر نمی‌انگیزد که آنان را خرسند کرده، آثاری زیانبار مانند عدم شکوفایی استعدادها، احساس حقارت، افزایش واردات بدون افزایش متناسب صادرات، ایجاد صنایع وابسته، تمایل نداشتن به مشارکت در هزینه‌های کشور و ناتوانی در سرمایه‌گذاری کلان را فراهم می‌آورد.

### آثار شوم وابستگی

وابستگی اقتصادی پیامدهایی زیانبار دارد که در این جا برخی از آن‌ها را یادآور می‌شویم.

### ۱) افزایش واردات بدون افزایش متناسب صادرات

از جمله شاخص‌های کشورهای وابسته، واردات انواع کالاهای مصرفی و عدم صادرات متناسب با واردات در این کشورهاست؛ زیرا قدرت‌های بزرگ، به

گونه‌ای اقتصاد جوامع وابسته را مدیریت می‌کنند و زمینه را فراهم می‌آورند که بازاری خوب برای مصرف کالاهای آنان باشد.

## ۲) ایجاد صنایع وابسته

نا گفته روشن است که جوامع وابسته جوامعی فقیرند و در این گونه جوامع، یا صنعتی قابل توجه وجود ندارد، یا اگر وجود داشته باشد، هم ابزار و قطعات آن وابسته است و هم مواد خامی که خوراک آن را تأمین می‌کند وابسته است.

## ۳) تمایل نداشتن برای سرمایه‌گذاری‌های کلان

سرمایه‌گذاری کلان امری پیچیده و خطیر است و شرایطی خاص دارد؛ از جمله آن‌ها، برقراری آرامش لازم و امنیت اقتصادی در جامعه است. بدیهی است در این گونه جوامع که مدیریت آن به دست قدرت‌های بزرگ است، توقع برقراری امنیت امری دور از انتظار است، و تا زمانی که امنیت لازم و فراگیر در جامعه حاکم نگردد، هیچ کس به سرمایه‌گذاری کلان تمایل پیدا نخواهد کرد.

## ۴) عدم بروز و شکوفایی استعدادها

تجربه حاکی از آن است که قدرت‌های

بزرگ، برای حفظ منافع خود و پیش‌گیری از اختراع و ابتکار جامعه وابسته، نیازهای آن جامعه را در حد متعادل و متعارف تأمین می‌کنند، تا از ابتکار و خلاقیت افراد در جوامع وابسته جلوگیری کنند.

## ۵) احساس حقارت و ناتوانی

افرادی که در جوامع وابسته به سر می‌برند، چنین احساسی به آن‌ها دست خواهد داد و می‌گویند: جامعه ما بیمار بوده و با زیرساخت‌های ناسالم شکل گرفته است، به گونه‌ای که امکان مدیریت کلان اقتصادی را از جامعه ما سلب کرده است و ما را در تأمین نیازمندی‌های خود ناتوان ساخته و ناگزیر به گردن کجی در برابر قدرت‌های بزرگ نموده است.

## جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

پیمودن راه میانه و عدم تمایل به افراط و تفریط، رکن پایداری انسان در مسیر تکامل و راه حقیقت است. انسان مسلمان و تکامل یافته، در مسیر تکاملش راه میانه در پیش گرفته و آن را به محوریت ایمان می‌پیماید. این همان راه وسط است که امام علی علیه السلام آن را مصون از هر نوع کثروی و

انحراف به چپ و راست دانسته است  
 میانه‌روی در مصرف از جمله این  
 راه‌هاست. اما از آن رو که این اصل در  
 جامعه ما کم رنگ شده است، مقام عظمای  
 ولایت برای تجدید این اصل و پرهیز از  
 هرگونه تندروی و کندروی در مصرف، در  
 پیام نوروزی خود، سال جاری را سال  
 اصلاح الگوی مصرف نام نهاد و از دولت  
 و مردم خواست تا با تجدید نظر در  
 مصرف و پرهیز از هرگونه ولخرجی و  
 ولنگاری در این باره، از هدر دادن منابع  
 کشور جلوگیری نمایند.

#### کتابنامه

۱. قرآن کریم و ترجمه‌های آن.
۲. ابن بابویه ابو جعفر محمد بن علی بن  
 الحسین (شیخ صدوق)، الامالی، قم، مؤسسه  
 البعثه، ۱۴۱۷ق.
۳. النخصال، قم، جامعه مدرسین، بی تا.
۴. ایروانی، جواد، الگوی مصرف در آموزه‌های  
 اسلامی، مشهد، دانشگاه علوم اسلامی  
 رضوی، ۱۳۸۸ش.
۵. نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، قم،  
 مؤسسه انتشارات حضور، چاپ دوم،  
 ۱۳۸۳ش.
۶. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، غرر  
 الحکم و درر الکلم، شرح جمال الدین

- محمد خوانساری، تصحیح و تعلیق سید  
 جلال الدین محدث، انتشارات دانشگاه  
 تهران، چاپ سوم، ۱۳۶۶ش.
۷. حر عاملی، محمد بن الحسن، وسائل الشیعه  
 الی تحصیل مسائل الشریعه، بیروت، دار  
 احیاء التراث العربی، چاپ پنجم، ۱۴۰۳ق.
  ۸. حرانی، حسین بن شعبه، تحف العقول عن  
 آل الرسول، تهران، انتشارات کتابچی، چاپ  
 پنجم، ۱۳۷۳ش.
  ۹. حکیمی، محمد رضا، محمد و علی، الحیاه،  
 تهران، مکتبه نشر اسلامیه، چاپ سوم،  
 ۱۳۷۸.
  ۱۰. دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، مبانی اقتصاد  
 اسلامی، نشر سمت، چاپ دوم، ۱۳۷۴ش.
  ۱۱. راوندی، قطب الدین، الدعوات، قم، مدرسه  
 امام مهدی، ۱۴۰۷ق.
  ۱۲. طوسی، ابو جعفر محمد بن الحسن، الامالی،  
 قم، دار الثقافه، ۱۴۱۴ق.
  ۱۳. کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، الاصول  
 من الکافی، بیروت، دار التعارف، چاپ سوم،  
 ۱۴۰۱ق.
  ۱۴. لیثی واسطی، علی، عیون الحکم و المواعظ،  
 قم، دار الحدیث، ۱۳۷۶ش.
  ۱۵. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، بیروت، دار  
 احیاء التراث العربی، چاپ سوم، ۱۴۰۳ق.
  ۱۶. مرتضی مطهری، انسان کامل، نشر صدرا.
  ۱۷. مکارم شیرازی، ناصر، و دیگران، تفسیر  
 نمونه، قم، دار الکتب الاسلامیه.
  ۱۸. نوری، حسین، مستدرک الوسائل، بیروت، آل  
 البیت، چاپ دوم، ۱۴۰۸ق.
  ۱۹. هندی، محمد تقی، کنز العمال، بیروت،  
 مؤسسه الرساله، ۱۴۰۹ق.